

بی خدایان ۲۴ Atheists

www.bikhodayan.com

azam_kamguian@yahoo.com

سر دبیر: اعظم کم گویان

ماهنامه بی خدایان

**توکل به خدا و
آیاتش با گرفتن
نمره یک به پایان
رسید**



عبدالله دارابی

بی خدایان: چرا مردم به ادیان
اعتقاد پیدا میکنند؟ چرا دین در
بین مردم نفوذ دارد؟

عبدالله دارابی: بهتر است پرسید
با وجود اینکه تا حال هیچ
بخشی از ادیان و مذاهب
ننوانسته اند مدرک یا پیامی
حقیقی و واقعی از دنیای واقعی و
ساخته خود را به جامعه بشری
عرضه کنند، چرا کماکان انسان
اسیر مخلوقات خویش است و به
آن سجده میبرد و از آن اطاعت
میکند؟ تا بحال نه مرده ای زنده
شده، نه زنده شدن مرده ای
اثبات گردیده و نه پیغمبر و
کشیش و آخوندی توانسته اند
حقیقتی از دنیای خیالی شان به
بشریت نشان دهند. اما انسان
زنده و واقعی علیرغم هر نوع

یک قدرت نامرئی - همان خدای
مسیحیت است. آفرینش هوشمند
پوشش "سکولار" برای همان
تئوری کهنه خلقت در انجیل
است. "آفرینش هوشمند علم
نیست و تنها راهی که طرفداران
آن می توانند ثابت کنند که علم
است اینست که معنی علم را تا
جایی تغییر دهند که نیروی
ماورا طبیعت را هم جز علم
بکنند." (از متن فضاوت 130
صفحه ای قاضی جونز)
آفرینش هوشمند احیای ایده کهنه
ای است که می گوید حیوانات
طراحی و خلق شده اند و این
تصادفی صورت نگرفته است.
اما حتی قطرات برف هم بنظر
می آید که طراحی شده اند در
حالی که آنها هم تصادفی و در
نتیجه تغییرات جوی و محیطی
بوجود می آیند.

146 سال قبل یعنی در ←



„اسلام عقاب زندگی است“
سینا

**دست "آفرینش
هوشمند" و خالق
عتیق از کلاسهای
درس کوتاه!**



اعظم کم گویان

حکم خود نوشت: "این افراد
سرسختانه تلاش می کنند
اعتقادات مذهبی شان را بر
زندگی اجتماعی تحمیل کنند...
سعی می کنند نیت واقعی شان
را پشت خط مشی آفرینش
هوشمند پنهان سازند" "برای ما
روشن شده که "سکولار" اعلام
کردن آفرینش هوشمند توسط
هیأت آموزشی صرفا پوششی
برای نیت واقعی آنها مبنی بر
آموزش مذهب در مدارس دولتی
است." "آفرینش هوشمند همان
تئوری خلقت است که به آن
پرچسبی امروزی زده اند. "هوشمند"

بدنبال شکایت قانونی 11 نفر از
اولیای دانش آموزان مدارس
منطقه دوور از هیأت آموزشی
مدارس این منطقه که "آفرینش
هوشمند" را بعنوان آلترناتیو
نظریه تکامل داروین وارد مواد
آموزشی مدارس کرده بودند
دادگاه فدرال آمریکا این اقدام را
پایمال کردن قانون اساسی
آمریکا و ناقض اصل جدایی
آموزش و پرورش و مذهب و
نتیجتا غیر قانونی خواند و
تدریس "آفرینش هوشمند"
در مدارس این منطقه را ممنوع
کرد. آموزش نظریه انجیلی
خلقت در مدارس آمریکا ممنوع
است. پس از اینکه چند ایالت در
آمریکا "آفرینش هوشمند" را
وارد سیستم آموزشی کردند این
اولین بار است که مدافعین آن در
یک جدال قانونی شکست می
خورند.

قاضی جان جونز حکم داد که
"آفرینش هوشمند" - عقیده ای
که می گوید جهان توسط یک
قدرت بزرگ طراحی شده و و
نه در نتیجه تکامل - نمی تواند
در کلاسهای بیولوژی مدارس
منطقه دوور در پنسیلوانیا
تدریس شود. قاضی جونز در

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

اسارت و بندگی در مقابل رهنمون ساخته است. مخلوقات خویش، مدام با کشفیات برای پاسخ به این سنوال، لازم و اختراعات تازه خود در راستای نمی بینم به ادوار دور مراجعه کنم دستیابی به واقعیات جدید و کنار چون مذهب در طول تاریخ چه در زدن اوهامات و خرافات در جامعه حال قدرت و چه در خارج از رو برو بوده و بدینوسیله زمینه را قدرت، همواره از مناسبات زور و برای دگرگونی بنیادی و بهتر استثمار دفاع نموده و بمثابة بخش کردن زندگی و استقرار دنیای لایتنجری بدفاع از آن بر خواسته نوین و واقعی هموار میسازد. باز با وجود همه اینها بایستی دید که با وجود همه اینها بایستی دید که ادیان و مذاهب با چه حکمتی بر اسب خیالی خود سوار شده و با دروغ و ریا و فریبکاری دارند روزمره مردم را تازیانه میزنند! پاسخ عملی و نهایی به این سنوال زحمتکش نماز خوان نیست که هنوز به فرجام نرسیده ولی با وجود آن، باید حقایق را شکافت و رمز و رموز این دروغ بزرگ اقلیتی از آدمیزاد را بر ملا ساخت و آنرا کنار زد. تاریخ بشریت ادوار مختلف در روند تکامل اجتماعی خویش یکی پس از دیگری به بخش اعظم این پرسش ها پاسخ داده و بشریت امروز را هم به راهکار های اساسی و کلیدی برای نجات خویش از قید و بند این همه خرافات و واپسگرایی

دگرگونی بنیادی جامعه از خود امکانات مادی مردم را در دست مقاومت نشان داده و با وحشیانه ترین شیوه علیه مردم شمشیر بقای مناسبات خویش، روزانه کشیده اند. چون در واقع فلسفه وجودی خودشان با سود و ثروت کاملاً متناسب است و برای بقای این فلسفه مادی نیز همواره جنگیده و میجنگند. بخاطر دور نشدن از موضوع به استدلال در چارچوب عصر و نظام حاضر و معنی نظام سرمایه داری بر میگردم و در دل همین مناسبات به نقش و کارکرد و جنایت های آن می پردازم. انسان امروز در بطن نظام و مناسباتی زندگی میکند که کنکرت تر و عریان تر از دوره های گذشته به تقسیم انسان پرداخته و آنرا به دو بخش اصلی دارا و فقیر یا دو طبقه استثمارگر و استثمار شونده تقسیم نموده و همه چیز را از اقتصاد و سیاست فرهنگ گرفته تا هنر و موسیقی و عرف و عادات و سنت و... بر اساس آن تعریف و تولید و باز تولید میکند. بخش کوچک دارا و حاکم بر سرنوشت بشر امروزی بمثابة وارث و قیم کل بشریت تمام

روزمره تکامل بمعنای واقعی کلمه است. طرفداران "آفرینش" که حدود دو دهه پیش طرح شد ادعا می کنند تئوری تکامل قادر به توضیح اشکال پیچیده تر حیات نیست. از این رو لازمست دانش آموزان مدرسه در مورد نظریه "آفرینش هوشمند" بعنوان آلترناتیو تئوری تکامل آموزش ببینند. مدافعین این نظریه می گویند حیات بیولوژیکی پیچیده تر از آنی است که بتوان آن را با تئوری تکامل توضیح داد و باید از یک مرجع هوشمند منشا گرفته باشد اما هیچوقت چیزی در باره هویت این مرجع و منشا چیزی نمی گویند. "آفرینش هوشمند" ایده عقب مانده و نظریه عتیقی است که می کوشد محتوی انجیلی نظریه خلقت جهان را با روشنی علمی و یک منطق جعلی عرضه کند. بسیاری از مردم در مورد طرفداران تئوری خلقت ساده نگری می کنند و تصور می کنند

1859 داروین گفت حیات روی کره زمین یک منشا مشترک دارد و انواع بدلیل فاکتور انتخاب طبیعی و طبق جهش طی بیلونها سال از یکدیگر تفکیک شده اند. داروین در کتاب "منشا انواع" نوشت که چیزهای مشترکی بین پرندگان و خزندگان و ماهیها و پستانداران وجود دارد اما توضیح نداد که این تنوعات و تفاوتها چگونه اتفاق افتاده اند. از آن زمان تا امروز هر پیشرفتی در فیزیولوژی و ژنتیک و بیولوژی مولکولی ایده داروین را به اثبات رسانده اند. تئوری داروین به همان اندازه تئوری حرکت نیوتون معتبر و محکم است. این قوانین زندگی روزمره ما را توضیح می دهند. تمام حیات روی کره زمین بر DNA استوار است نه فقط حیات انسان بلکه سایر انواع دیگر. تکامل هر روزه ادامه دارد. تحقیقات علمی شاهد وقوع

آنها مردم معمولی انجیل خوان ساکن شهرهای کوچیکند که فکر می کنند عمر زمین فقط چند هزار سال است و استخوانهای دایناسورها از دوران طوفان نوح بجا مانده است. خلقت گرایانی از این نوع مطمئناً وجود دارند اما نفوذ آنها در سالهای اخیر کم و کمتر شده و در عوض نوع پیچیده تری به میدان آمده اند که مدافع خلقت هستند اما تلاش می کنند آن را با پوششی امروزی و سکولار به مردم و جامعه تحمیل و قالب کنند. این شاخه از خلقت گرایی نه آشکارا احق است و نه از نظر علمی بیسواد است. این بحث چندان جدیدی نیست اما ستاره اقبال سیاسی آن رو به درخشش است. در آمریکا نبرد بین مدافعین آموزش هوشمند و دفاع از اعتبار علمی و سکولار و مشروع تئوری تکامل آغاز شده است. تاکنون طرفداران "آفرینش"

هوشمند" قادر به تحمیل آن بر مدارس ایالت کانزاس شده اند. در ایالت اوهایو، مقامات آموزش و پرورش دارند فکر می کنند آن را در برنامه درسی دبیرستانهای این ایالت به تئوری تکامل داروین اضافه کنند. صنعت مذهب که قادر به تحمیل سراسر است و آشکار یک خدای عتیق انجیلی نیست سخت روی تحمیل یک خالق "هوشمند" بر فکر و ذهن کودکان ما سرمایه گذاری کرده است. حکم دوور برگ دیگری از چدالی طولانی بین مدافعین جدایی دین و آموزش و پرورش و طرفداران حاکمیت مذهب و خدا بر مدارس است. باید آموزش "آفرینش هوشمند" را به همان سرنوشت آموزش خدای عتیق دچار کنیم. این تنها راه حفظ سلامت و شکوفایی ذهن و روح و روان جامعه بشری است. مذهب به اندازه کافی همه ما را زخمی کرده و عذاب داده است.

سازمانهای مذهبی در چندین کشور جهان خود مستقیماً ماشین سرمایه داری را در دست گرفته و میچرخانند و بخاطر حفظ و بقای آنهم با وحشیانه ترین شیوه در برابر کارگر و مردم معترض و امروز میجنگند. منافع زمینی اقلیت حاکم بر جهان، حکم میکند در همین دنیای پیشرفته و انترنتی قرن ۲۱، مرتجعینی کپک زده چون خمینی، خامنه‌ای، خاتمی و پاپ و امثالهم را از بقیه جدا سازند، زیر نور افکن قرارشان دهند و بعنوان قیم و رهبر و ناجی مردم در بوق کنند و با تکیه به رسانه‌های گول آسا و فریبنده آنان را به فرشتگانی پاک و معصوم و بی آزار جلوه دهند و بر اساس آن میلیونها انسان شریف را به اطاعت و بندگی از آنان بیدان کشانند تا بکمک این مرتجعین، نظام موجود را به عنوان نظام ابدی بر ذهن و زندگی آنان سوار و استوار گردانند. نفوذ و رواج دین بخاطر بقا و ادامه مناسباتی است که کل وجوه زندگی آدمیزاد امروز را در چنگال خود فشرده و رقم میزند. اگر چه دین از ابداعات سرمایه داری نیست اما بمثابه یکی از ابزارهای بسیار مضر و کشنده برای نظام سرمایه داری به ارث مانده و به نفع خود از آن بهره میگیرند. این نظام، چنان گندیده و متعفن شده که دین را بمثابه بخش لایتنجری خود حفظ نموده و به عناوین مختلف آنرا به ادیان بزرگ و کوچک، اصلی و فرعی و میانه رو و واقع بین و خوش خیم و... تقسیم نموده سپس با پیچاندنشان در ده ها و صد ها کاغذ و زورورق رنگی بخورد مردم جهان میدهند. فقط هزینه و مخارج کلیسا و مساجد و کنیسه و تکایا و بارگاه های دینی در سراسر جهان، معادل چندین برابر هزینه و مخارج زندگی جمعیت این کره خاکی است. این مخارج هنگفت، بهای خدماتی است که به اقلیتی نا چیز از انسانهای مرتجع و کپک زده تحت نام کشیش و خاخام و شیخ و ملا و حجت اسلام

و نایب امام زمان و.... پرداخت میشود. اگر اکثریت جامعه انسانی بپا خیزند و نظام موجود و این بخش از آدمیزاد را از اریکه قدرت پایین کشند و بجای آن تولید و نظام و قانون را بر مبنای زندگی و خوشبختی انسان سازمان دهند آنگاه انسان هویت انسانی خویش را باز خواهد یافت، اتکا بنفس اش میدهند و بدین وسیله مسیر آموزش و پرورش و تعلیم سالم و طبیعی و انسانی آنان را آلوده و خدشه دار میکنند.

راه حل برون رفت انسان از شر دین و مذاهب تنها و تنها به تغییرات بنیادی جامعه ای گره خورده است که با انقلاب خود ما مردم بایستی کلیه بنیان های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جامعه را به نفع خودمان تغییر دهیم سپس چنان بر سکان حاکمیت مسلط شویم که بتوانیم از خود بیگانگی انسان از انسان و فقدان نقش فرد در جامعه را بنیانها دگرگون سازیم و بدینوسیله زمینه دستیابی و بازگشت به انسانیت واقعی و هویت انسانی را فراهم نماییم. این راه حل، تنها راه حل واقعی و انسانی است که در مقابل کارگر کمونیست و همه انسانهای آزادیخواه امروز قرار گرفته و بایستی به سرانجام خود برسد. این مسیر سخت و دشوار است اما شدنی و امکانپذیر است و راهکار مارکس و منصور حکمت بعنوان بهترین، ممکن ترین و قابل دسترس ترین راه حل در اختیار انسان امروز قرار دارد که باید به آن دست برد و حول آن پیش رفت و مردم را برای یک انقلاب این چنانی سازمان داد. کناز زدن نفوذ دین میان مردم ریشه در این مناسبات دارد که راه حل و تغییر بنیادی آن مستلزم یک انقلاب اجتماعی است.

بی‌خدایان: بیشتر احکام اسلامی در مورد زنان هم بلحاظ علمی و هم در زندگی روزمره پوچی خود بی ذاتی هیچ را نشان داده است. چه چیزی باعث میشود که عقیده به فروستی زن در بین مردم رایج باشد؟ اما عبدالله دارابی: اگر خواننده به

پاسخ پرسش اول نظر مثبت داشته باشد، نه تنها پوچی احکام اسلامی بلکه پوچی احکام تمام ادیان علیه زنان را به آسانی در خواهد یافت و در اینمورد هم به کنه حقیقت پی خواهد برد. اگر در عصر حاضر در این نکته توافق داشته باشیم که دین ابزار دست بورژوازی است آنگاه خواهیم پذیرفت که استثمار بیش از حد زن و زن ستیزی و تحقیر و خوار کردن و زنده بگور کردنشان عملی است آگاهانه و ریشه دار با تاریخی بس طولانی و سیاه. از نظر دین و سرمایه، زن نسبت بمرد کم هزینه تر و پرسود تر است و در تعرض روزمره سرمایه به جامعه، حلقه ضعیف و تابلوی نشانه روی بحساب میآید. امروز در اکثر کشور های جهان، میلیون ها زن مجانا و بدون دریافت هیچ هزینه ای از دولت، به بزرگ کردن بچه بعنوان نسل های آینده کار و ارائه خدمات روزمره به کارگر بزرگسال و سالمند گوشه نشین مشغولند بی آنکه دولت سرمایه داران در برابر صرف این نیروی عظیم خود را پشیزی بدهکار بداند. علاوه بر آن میتوان پایین بودن دستمزد زنان نسبت بمردان و در موارد زیادی اخراج آسان تر زنان شاغل نسبت بمردان را به لیست اضافه نمود. در عالم واقع میتوان زنان را به عنوان پرسود ترین بخش نیروی کار جامعه سرمایه داری بحساب آورد و به همین اعتبار همواره آنرا چون شاخصی مورد نظر تحت کنترل و تحت فشار دین و نظامش قرار داد و بعنوانین مختلف هم علیه اش احکام اسلامی صادر نمود. در طول تاریخ، صدور و اجرای احکام دینی و اسلامی علیه زنان همواره وجود داشته چون با حمله مداوم به زنان حفظ اسارت و بندگی مردم معترض و ناراضی را برای خود آسان تر کرده و بر آن فایق گردیده است. بد تر از آن دورانی است که نظام دینی خود در حاکمیت قرار گرفته و قوانین مذهبی را نیز به قانون اساسی جامعه تبدیل کرده است. چنین دورانی بدون شک

بقای این پوچی هم ریشه در تسلط سیاسی خود نمی‌بیند. با توجه به دوران سیاه بشریت بوده چون مناسبات حاکم بر جامعه دارد که بدون هیچ تردیدی هزاران و باخطر منافع یک اقلیت کوچک میلیون‌ها آدم بویژه زنان را قربانی همواره زن را انسان کامل بحساب نموده و یا از زندگی نرمال و زوایای زندگی آنرا کوچکتر کم انسانی کنارشان گذاشته است. عقل تر و کم ارزش تر و کم تاثیر جمهوری اسلامی حاکم بر ایران امروز را میتوان بعنوان نمونه تپیک تمام قدرت های مذهبی در سراسر جهان نشان داد. چون با نگاهی کوتاه به آثار گذشته هر کلیسای مسیحی حکمران در اروپا و آمریکا، بلافاصله عکس واقعی دولت های اسلامی موجود در خاورمیانه بویژه ایران را بدون کم و کاست خواهید دید و هر روزه دهها و صد بار نفرت و نفرین خود را نثار همگی آنان خواهید کرد. صدور و اجرای احکام اسلام سیاسی امروز علیه زنان، حمله ای است آشکار به کل مردم آگاه و متمدن این دوره که از استثمار و بندگی توسط مخلوقات خویش بیزارند و برای کنار زدن آن و دست یافتن به حیات سیاسی و زندگی خویش میجنگند. اسلام، با حمله به زنان سرکوب و رام کردن کل جامعه پیشرو را نشانه رفته و حمله به زنان را بمثابة نقطه آغازی برای رسیدن به این هدف در نظر گرفته است. ددمنشی و قساوت آشکار علیه زنان، بخش وسیعی از صفحات تاریخ اسلام و دیگر ادیان را به خود اختصاص داده که بر هیچ کسی هم پوشیده نیست. این تاریخ سازان و دین سالاران زن ستیز، دستان خونی و غیب ملائکه و فرشتگان اعزامی از آسمان نامرئی نبودند، این جانیان آدمکش و زن ستیز، سرداران جنگی اسلامی و مسیحی و یهودی و... چون محمد و علی و عمر و ابوبکر و عیسی و موسی و خمینی و بوش و بن لادن و خاتمی و خامنه ای و امثالهم بودند که بدور از هر گونه شان و منزلت انسانی منافع و مصالح زمینی خویش را بر همه چیز ترجیح داده و با شمشیر و گلوله و بمب ناپالم و فسفور سفید به جنگش رفتند. تاریخ واقعی انسان نشان داده است که تمام احکام دینی علیه زنان پوچ و بی معنی بوده و تداوم زدن این پوچی هم ریشه در تسلط مناسبات حاکم بر جامعه دارد که باخطر منافع یک اقلیت کوچک همواره زن را انسان کامل بحساب نمی آورند و در همه گوشه و زوایای زندگی آنرا کوچکتر کم عقل تر و کم ارزش تر و کم تاثیر تر به جامعه معرفی میکنند. بی‌خدایان: در کردستان با نفوذ ضعیف مذهب در بین مردم روبرو هستیم. چرا؟ عبدالله دارابی: در پاسخ به پرسش دوم اشاره کردم که ما کمونیستها و مردم، هیچگاه مبارزه جدی علیه مذهب را به انتظار سقوط کامل رژیم و دگرگونی بنیادی جامعه گره نزده و بهمین خاطر دست رو دست نگذاشته و آنرا چون تلاشی تعطیل نا پذیر ادامه داده ایم. بلی، آگاهگری و مبارزه جدی و فعال ما علیه مذهب در کردستان امری است واقعی که در عقب نشینی مذهب در این بخش از ایران خود را به عینه نشان داده است. نگاه امروز ما نسبت به مذهب و کارکرد آن در جامعه نسبت به ۲۰ سال قبل خیلی متفاوت است. مبارزه آن دوره ما علیه مذهب بمراتب سخت تر و پیچیده تر از امروز بود ولی با وجود آن اگر ما آندوره آگاهی امروز را داشتیم بی تردید نقش ما علیه مذهب ده چندان بود و به آنچه که کردیم هیچگاه راضی نمی شدیم. اگر تعارف را کنار بگذاریم و قبول کنیم که نفوذ مذهب در کردستان به نسبت جا های دیگر کمتر است، بایستی بپذیریم که وجود و حضور فعال کمونیست ها و جنبش رادیکال و آزادیخواهانه در آن نقش بسیار مهمی بازی کرده است. چون کارگر کمونیست و مردم آزادیخواه به جامعه آزاد و برابر نیاز دارد و در بطن چنین فضا و مناسباتی است میتواند سریع رشد کند. بر عکس مذهب هم بمثابة یکی از موانع جدی سر راه مردم، به گندابی احتیاج دارد که بوی تعفن آن که مدام فضای جامعه را مسموم و آلوده کند، بنا بر این بطور دائم با ایجاد فضای آزاد و برابر جنگ و دشمنی دارد چون در آن جایی برای رشد و بلوغ

سیاسی خود نمی‌بیند. با توجه به تناقض بنیادی دین با آزادی و برابری، مبارزه مردم آزادیخواه علیه اسلام سیاسی امری است جدی چون زندگی روزمره اکثر جامعه ایران را با خطر واقعی روبرو ساخته و باید آنرا از سر بی‌خدا شدید؟

عبدالله دارابی: در مورد چگونگی سنگر های مهم آزادیخواهی در ایران است که مذهب در آن ریشه دار نیست به همین خاطر مبارزه علیه اسلام سیاسی و مذهب بمراتب آسانتر از سایر نقاط ایران است نقش جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در آن جا پای محکمتری دارد. رابطه اجتماعی عمیق کمونیست ها با مردم کردستان تاریخ بیش از ۳۰ سال مبارزه بی وقفه سیاسی، اجتماعی و نظامی علیه اسلام سیاسی را پشت سر خود دارد که نا دیده گرفتن آن توسط رژیم اسلامی و مخالفین ما غیر ممکن است. علاوه بر فاکتور فوق، عملکرد خود رژیم علیه مردم ایران بویژه مردم کردستان هم فاکتوری بزرگ و مهم بود که فلسفه وجودی اسلام سیاسی را بخوبی بنمایش گذاشت و نشان داد فاصله بین دین و انسانیت تا چه اندازه از هم دور و عمیق اند. طی ۲۷ سال گذشته رژیم اسلامی ایران توانست بمثابة یکی از جدی ترین وارثین قرآن، محمد وار انسان مخالف و بره را چون هم از دم تیغ بگذارند و مانند سلاخان و برده داران کهن از آخرین نفس سر بریده شده گان و دست و پا زدن هاشان لذت ببرند. این وارثان دوران بربریت از بدو حضور تحمیلی شان بر مردم ایران، تضاد و ناسازگاری خود را آشکار ساختند و با عملکرد خود ماهیت واقعی خود را به روشنی رو صحنه آوردند. جمهوری اسلامی از همان ابتدای کار هیچ فرصت صبر و انتظاری را برای مردم باقی نگذاشت و در همان بدو حاکمیت سیاه خود ابتدا با گلوله و بمب و باروت جان و مال مردم کردستان را هدف قرار داده و از هیچ جنایتی در حق به آنان دریغ ننمودند. در این رابطه همیشه فاکتور های بیشتری را از نظر دوی ما در خانواده های فقیری

آدیت

Religion Update

اعظم کم گویان

مالتی کالج‌الایسم- شهرداریهای
لیبر و معضل مستراح های رو
به قبله

اخیرا در شهر بریستول در انگلستان یک مجتمع آپارتمانی گشایش یافت که در آن مستراح ها طوری ساخته شده اند که احساسات اسلامی مسلمانان را جریحه دار نکنند! مستراحهای این آپارتمانها بنحوی ساخته شده اند که رو به قبله و به سمت مکه نباشند. 16 آپارتمان در خیابان ویلسون برای مستاجرین آسیایی مسلمان در انطباق با "نیازهای" آنها ایجاد شده است.

کاریکاتوره‌های محمد پیغمبر اسلام و پامال شدن آزادی بیان الازهر بالاترین مرجع آموزشی در جهان اسلام (سنی) در مصر اعلام کرده که روزنامه یولاند پوستن که چندی پیش کاریکاتورهایی از محمد پیامبر اسلام را درج کرده بود هیچگونه حد و مرزی برای انتقاد باقی نگذاشته و تماما به توهین و تحقیر اسلام پرداخته

است. الازهر قول داده که این روزنامه را از طریق سازمان ملل و فشار به دولت دانمارک وادار به عذرخواهی کند. بیانیه الازهر در این مورد توسط شیخ محمد سید تنتاوی بالاترین مرجع آن نوشته شده است. همچنین سفرای 11 کشور عرب و مسلمان از قبیل مصر فلسطین ترکیه پاکستان ایران بوسنیا - هرزگوینا و اندونزی در اعتراض به کاریکاتورها نامه مشترکی به آندرس راسموسن نخست وزیر دانمارک نوشته و تقاضای عذرخواهی رسمی روزنامه یولاندپوستن را کرده اند. نخست وزیر دانمارک اعلام کرده بدلیل تضمین آزادی بیان در این مساله دخالت نخواهد کرد. الازهر تقاضای تجدید نظر در این مساله را دارد و تهدید کرده که در غیر اینصورت رابطه مردم دانمارک با مردم عرب و مسلمان تحت الشعاع قرار خواهد گرفت.

طالبان معلمی را بدلیل تدریس به دخترچه ها اعدام کرد طالبان در جنوب افغانستان معلمی را در مقابل چشمان شاگردانش اعدام کرد چون به تهدید طالبان مبنی بر توقف تدریس به دانش آموزان دختر وقعی نگذاشته بود. این جنایت در منطقه نادی علی در استان هلماند که صحنه حملات طالبان در ماههای اخیر بوده روی داد. معلم نامه های تهدید آمیز متعددی از سوی طالبان دریافت کرده بود که دست از تدریس به دخترچه ها بردارد. سازمان طالبان تاکنون به مدارس دخترانه زده و یا معلمین را مورد تهدید و آزاد قرار داده است. کریسمس کلیسا و مسیح چه گوارایی و انقلابی!

در دوران کریسمس کلیسا علاوه بر استفاده از تبلیغات وسیع رادیویی و اینترنتی و وب سایتی و شرکت کردن CD از خوانندگان و هنرمندان برای اشاعه پیام خود و مسیحیت تلاش کرد مسیح و مسیحیت را به محور ایام کریسمس تبدیل کند. این کار توسط شبکه تبلیغاتی کلیسا CAN صورت گرفت. ایماژ مسیح یک چه گوارای معصوم و کم سن و سال است که روی سر او یک هلال نورانی قرار دارد! سخنگوی CAN گفت البته ما مثلا نمی خواهیم مریم باکره را بصورت یک هنرپیشه پورنو تجسم دهیم ! اما مردم در کلیسا باید کمی تکان بخورند. ما می خواهیم مردم در بیرون کلیسا به پیام کریسمس فکر کنند. همین!

12 هزار نفر در تظاهرات در دفاع از سکولاریسم در پاریس - فرانسه

بمناسبت صدمین سالگرد تصویب قانون جدایی دولت و کلیسا در فرانسه - در 10 دسامبر 2005 در گرامیداشت این تحول برگزار شد که 12 هزار نفر در آن شرکت



توکل به خدا و آیاتش با گرفتن نمره یک به پایان رسید و دیدیم تعریفی که از پیغمبر میشد و میگفتند "پیغمبر نا خوانده قرآن درست، کتابخانه ۷ ملت را بالاخره در سن ۱۸ سالگی عملا بشست" در عالم واقع نادرست بود چون جغرافیای ناخوانده ما به دریافت بیش از یک نمره دست نیافت. آن یک نمره هم از معلومات قبلی خودمان بود نه از اوهام و خرافه ای که به آن گرفتار آمده بودیم. از آن پس کم کم نسبت به وجود دین و خدا و..... دچار شدم.

خود را در باره هستی خدا شروع کردیم و درس جغرافیا را انتخاب کردیم و بدون خواندن آن، با بر داشتن یک جلد قرآن به کلاس امتحان رفتیم و با خواندن سوره ای از قرآن بنام آیه الکرسی و فوت کردن به دور و بر خودمان و طلب کمک و همکاری از خدا و ملائکه بمنظور یاری رساندن به ما، تا حد اقل نا خوانده بتوانیم در این امتحان نمره ۱۸ را بیاوریم و.... که نتیجتا شکست خورد و به عکس خود تبدیل گردید و موجودی نبود که صدای ما را بشنود و بکمک ما بشتابد. در نتیجه خود را در باره هستی خدا شروع کردیم و درس جغرافیا را انتخاب کردیم و بدون خواندن آن، با بر داشتن یک جلد قرآن به کلاس امتحان رفتیم و با خواندن سوره ای از قرآن بنام آیه الکرسی و فوت کردن به دور و بر خودمان و طلب کمک و همکاری از خدا و ملائکه بمنظور یاری رساندن به ما، تا حد اقل نا خوانده بتوانیم در این امتحان نمره ۱۸ را بیاوریم و.... که نتیجتا شکست خورد و به عکس خود تبدیل گردید و موجودی نبود که صدای ما را بشنود و بکمک ما بشتابد. در نتیجه



خدا، دین و حقیقت

انشتین در جواب سوال چند گزارشگر، که آیا مذهب باعث رواج صلح خواهد شد؟ تا بحال که چنین نکرده است.

آلبرت انشتین

در این مقطع از تاریخ پرو بال دادن به هر ایده ای که بگوید هویت مسلمانان صرفا مبتنی بر اسلام است و نه هیچ چیز دیگر نابردارانه و مضر است.

مونا صدیقی

"سوهو سکولار": یک بار همجنسگرایان در منطقه سوهو در لندن است که ورود کشیش های کاتولیک را منع کرده مگر اینکه ثابت کنند در عرض سه سال گذشته یا بیشتر هیچ نوع انگیزه و محرکه مذهبی نداشته اند.

مایلز کینگتون

رفتارهای اخلاقی انسانها باید بر مبنای مؤثری از همدردی، آموزش و پرورش و علایق و احتیاجات اجتماعی باشد، هیچ نیازی به بنیادهای مذهبی نیست. واقعا انسان در راه ترحم آمیزی می رفت، اگر قرار باشد توسط عذاب و پاداش مهار بشود.

آلبرت انشتین

اما زندگی، نظری آبی وزودگذر از عجایب این جهان شگفت انگیز است و متاثرکننده است که می بینیم بسیاری با خوابهایی از توهمات روحانی از دستش می دهند.

کارل ساگان

مکررا ادعا می شود که منتقدین اسلام، راسیست و اسلاموفوبیک هستند. از آنجا که ما در مورد دین و نه نژاد بحث می کنیم استدلال اولی رنگ می بازد. مطمئنا در غرب درجه بالایی از ارتباط بین نژاد و مذهب موجود است. بطور مثال مسلمانان در بریتانیا بیشتر از جوامع خاورمیانه هستند. معذرا این کاملا منطقی است که انسانی را کاملا دوست داشت و به او احترام گذاشت اما از عقاید مذهبی او حتی تنفر داشت. انسانها قابل احترام هستند اما هر اعتقاد آنها محترم نیست. تلاش برای جرم کردن اسلاموفوبیا تلاشی زیرکانه برای سرکوب انتقاد از اسلام تحت پوشش مبارزه با راسیسم است. ضروری است که باید بین انتقاد از اسلام، ترس از اسلام، اسلام ترسی یا نفرت از مسلمانان تمایز و تفاوت قایل شد. اما غالبا انتقاد از احکام و روشهای اسلامی و انتقاد از دین اسلام برچسب راسیسم و تنفر از مسلمین را می خورد تا انتقاد را بسادگی و راحتی خاموش کنند.

اعظم کم گویان

اگر خدایی نباشد زندگی همانند میلیونها سال قبل همچنان ادامه می یابد. اگر معلوم شود که خدایی نیست دیگر چیز عجیبی در بین نیست و احتیاج به الم شنگه ندارد چون زندگی همانست که همیشه بوده و تفاوتی با چیزی که الان هست نخواهد بود. زمین همچنان می چرخد تا آفتاب بتواند طلوع کند. تنها چیزی که فرق می کند نحوه فکر کردن ماست. دنیای بیرون ما همانطور که بوده باقی خواهد ماند.

وانسا جانسون

در دوره جوانی تکامل معنوی انسان، خیال انسان خدا را از روی تصویر انسانهایی ساخت که با اجرا کردن نیاتشان مصمم بودند به هر قیمتی بر این دنیای استثنایی اثر بگذارند. ایده خدا در تفکر مذاهب امروز نمونه متعالی شده همان برداشت قدیمی از خدا است. شکلهای انسانی که برای او قائل شده اند. نمونه حقیقی از درخواست انسانها در دعاها و التماسهایشان از خداوند برای برآورده کردن آرزوهایشان است. معلمین مذهبی برای تعالی اخلاقیشان باید قد و قامت این را داشته باشند که دکترین خدای فردی را ول کنند. همین، ول کن اون ترس و امیدی که در گذشته چنان قدرت فوق العاده بزرگی به کشیشها داده بود.

آلبرت انشتین

آزادی بیان عمیقا با ارزش است همانطور که حرمت و کرامت انسانها مهم است. هر دو اینها به شهروندان هوشیار و فعالی نیاز دارند که بجای اتکا به دولت خود دست به عمل بزنند و نگذارند مذهب و هیچ قانونی درحفاظت از آن آزادی بیان را پایمال کنند.

لرد دارنورف

از جنگ دوم جهانی تا کنون در ژاپن تعداد بیشماری از مذاهب تخم ریزی کرده اند و ماورالطبیعه را برجسته می کنند. در تایلند امراض با قرضهای از کتاب مقدس پودر شده معالجه می شوند. جادوگرها امروزه در آفریقا سوزانده شده اند. در دنیا سازمان (طبابت افضل) ارزشی تقریبی برابر با 3 میلیارد دلار دارد. برای پول شهریه وعده می دهند که تورا نامرئی کنند و قدرت کنند که پرواز کنی.

کارل ساگان

ما باید خدا را بیرون کنیم. صرف نظر از جدال قانونی بر سر وجود یا عدم وجودش. کارهای اخیر خدا اقتضاح بوده است. وضع دنیا در 12 طریق خراب است و خدا آنقدر خوشحال است که هر وقت ورزشکاران برنده می شوند اعتبار آنها را به حساب خود می گذارد و هر وقت این "بندگان حقیر حضرت خدا" یک اشتباه تکنیکی می کنند حتی زحمت یک عذرخواهی از آنها را هم بخود نمی دهد. شکاف ها زمانی آشکار شدند که پس از آنکه کمیسیون انحصارات 6000 سال قبل اعلام نگرانی کرد خدا داوطلبانه اقتدار آسمانی خود را بین تعدادی از ادیان رقیب تقسیم نمود.

جان کلی و اندی زالتزمن

در دفاع از آزادی بیان در دانمارک به کمک ما بیایید

به انجمن قلم ایران در تبعید و کانون نویسندگان ایران در تبعید و همه نویسندگان و هنرمندان

دوستان گرامی، شاید مسئله روزنامه یولند پستن حاضر شدند یک تصویر معمولی پرچمهای دانمارک را آتش زدند و افکار عمومی هم از آنجا که دانمارک و فشار دولتها و جریانات اسلامی به آن را تاکنون شنیده باشید. با این همه من قضیه را مختصراً برای شما شرح میدهم و یک خواست و یا خواهش در پایان از شما دارم. این قضیه شبیه قضیه سلمان رشدی است و ابعاد زیادی هم پیدا کرده است.

از ۱۷ سپتامبر تاکنون که روزنامه یولند پستن دانمارک به درج ۱۲ تصویر نقاشی از محمد پیامبر مبادرت کرده است، گروههای اسلامی در دانمارک این عمل را منافی آیین دین اسلام دانسته اند و دست به اعتراض و تهدید و ارباب و ترور بر علیه نقاشانی که عکس محمد را کشیدند و روزنامه یولند پستن زده اند. ابتدا امامان مساجد در کپنهاک و دیگر شهرها دست به تحریک شرکت کنندگان در مساجد و نماز جمعه ها زدند و سپس افراد و گروههای اسلامی نقاشان را تهدید به مرگ کردند که همه آنها برای امنیت خود زیر زمینی شدند. گروههای اسلامی یک تظاهرات ۲۰۰۰ نفره برگزار کردند که از جمله برگزار کنندگان آن یک مسجد ایرانی در دانمارک است که از طرف سفارت ایران در دانمارک هدایت میشود و ۱۲ هزار امضا بر علیه روزنامه جمع کردند و مرتب در حال فعالیتند.

قضیه از آنجا شروع شد که یک نویسنده کودکان در کتابش احتیاج به تصویر عیسی و محمد و موسی برای توضیح مطالب کتابش داشت. اما هیچ نقاشی حاضر به کشیدن یک تصویر معمولی از محمد نبود. چون میدانستند کشیدن تصویر محمد در اسلام ممنوع است و ممکن است جریانات اسلامی دست به ترورشان بزنند. دو نقاشی که حاضر شدند یک تصویر معمولی از محمد بکشند، حاضر نشدند نام خود را علنی سازند. برای همین روزنامه یولند پستن از همه نقاشان دانمارک دعوت کرد تا برای شکستن این جو، تصویری که از محمد در ذهن دارند را بکشند و برای روزنامه بفرستند و اعلام کرد نام نقاشان هم باید علنی باشد.

۱۲ نقاش چهره محمد را آنطور که خود تصور میکردند کشیدند و برای روزنامه فرستادند. بدنبال آن گروههای اسلامی دست به فعالیتهای گسترده ای زدند. روزی نیست یک کشور و یا گروه اسلامی بر علیه روزنامه یولند پستن شکایت و یا تهدید نکرد. سفرای ۱۲ دولت از کشورهای اسلام زده که از جمله آنان سفرای رژیمهای ترکیه، ایران، مراکش، عربستان سعودی، پاکستان، کویت و... هستند، طی نامه ای به نخست وزیر دانمارک خواهان دخالت نخست وزیر دانمارک در ماجرا و محکوم کردن عمل روزنامه یولند پستن شدند. خواستی که امامان و گروههای اسلامی در دانمارک هم آن را طلب کردند. نخست وزیر دانمارک در پاسخی به سفرای این کشورها اعلام نمود قدرت دخالت در این موضوع را ندارد و آنها را به دادگاه رجوع داد.

حتماً خبر دارید که کنفرانس اسلامی هم دانمارک را تهدید به تحریم اقتصادی کرده است و خواهان عذر خواهی دولت دانمارک از عمل روزنامه یولند پستن شده اند. کنفرانس کشورهای اسلامی به سازمان ملل رجوع کرده است و کلاً از طریق مختلف دارند مسئله را دنبال میکنند.

در پاکستان چندین تظاهرات گروههای اسلامی در پاکستان

چندین تظاهرات راه انداختند و پرچمهای دانمارک را آتش زدند و صدای دیگری از آنجاها شنیده نمیشود اینها را به عنوان نماینده مردم خاورمیانه قلمداد میکنند. ما تلاش میکنیم تا به مطبوعات و جامعه بقبولانیم که همانطور که وقتی از مردم دانمارک حرف میزنند، آنها را مسیحی صدا نمیزنند، مردم خاورمیانه را هم سال اخیر (و بخصوص در جریان قضیه سلمان رشدی) با بکار گیری تهدید و ترور بر علیه منتقدین به اسلام فضایی را در سطح جهان برقرار ساختند که دیگر هر نویسنده ای که دست به انتقاد آشکار و علنی به اسلام و محمد میزند، باید امکان ترور خود را نیز به تن بمالد.

متأسفانه صدای مخالف جدی در دانمارک در مقابل اسلاميون کافی نیست. باید نویسندگان و هنرمندان و مردم جهان را در دفاع از آزادی بیان بسیج نمود. اگر ما کاری نکنیم دولت دانمارک زیر فشار دولتها و گروههای اسلامی در جهان عقب نشینی و سازش میکند. در خود دانمارک احزاب مختلف پارلمانی و ۲۲ سفیر قبلی دانمارک در کشورهای عراقی کمپینی را در مقابل تعرض خاورمیانه و حتی چند نخست اسلاميون شروع کردیم. امضای وزیر قبلی دانمارک از دولت زیادی از مهاجرین ایرانی و عراقی جمع کردیم و تعرضی را بر علیه اسلاميون در دستور گذاشته ایم. متأسفانه باید بگویم دفاع از آزادی بیان در دانمارک قوی نیست. من از شما میخوام یولند پستن بنویسید و از آزادی به کمک ما بیایید تا در مقابل تعرض گروههای اسلامی به آزادی بیان بایستیم.

گروههای اسلامی و دولتهای خاورمیانه به عنوان نماینده یک و اعدام و زندانی شدند و همه اینها میلیارد مسلمان در خاورمیانه به زیر نام توهین به مقتسات عملی روزنامه و دولت دانمارک میشود. بنویسید که ۷۰ میلیون

سکولاریسم اولین گام در آزادی از دین

چرا با مذهب مبارزه میکنیم

رضا سروش از ایران

1- خاصیت مخدر مذهب: وقتی دست شما به جسم داغ یا تیزی برخورد میکند چه چیزی باعث میشود تا دست خود را عقب بکشید؟ احساسی که درد نامیده میشود. هنگامی که در وضعیت بدی زندگی میکنید چه چیزی باعث میشود تا به فکر دنیای بهتری باشید؟ و تلاش کنید تا دنیای اطراف خود را تغییر دهید؟ احساسی شبیه درد. بهتر بگوییم رنج و عذابی که در اثر نامناسب بودن شرایط مادی محیط خود حس میکنید شما را وادار به اندیشه در رفع نقص یا مبارزه با ناهنجاریها میکند. نیروی محرکه ای که جامعه را در جهت تکامل تغییر میدهد در نتیجه فشاری که به افراد وارد میشود به وجود می آید. پس اولین شرط حرکت احساس درد است. یکی از خواص مذهب این است که مانع احساس چنین دردی میشود. کسی که تصور میکند پس از مرگ دوباره زنده خواهد شد و زندگی بهتر و لذت بخش تری را آغاز خواهد کرد اهمیتی به کیفیت زندگی در دنیای مادی واقعی نمی دهد زیرا جهان نرمال و بی عیبی را در انتظار خود تصور میکند و تلاش برای رسیدن به

بهشت اخروی (با اطاعت اوامر سایه خدا) را مهمتر از تلاش برای تغییر جهان واقعی و بهبود کیفیت زندگی انسان میدانند. او اهمیت و لزوم حرکت فوری برای به نتیجه رسیدن در مدت کوتاه عمر را درک نمیکند. از نظر او عمر کوتاه نیست. مذهب با توجیه همه ناپسامانیها و دردها به عنوانهای "آزمایش الهی"، "تقدیر الهی"، "قسمت"، "خواست خدا" و ... مانع حرکت انقلابی انسان برای تغییر وضع موجود میشود. در قرآن صراحتاً گفته شده است که خدا هر که را بخواهد خوار میکند و هر که را بخواهد عزیز میکند. اعتقادات مذهبی همواره مانع جنبشهای آزادیخواهانه بوده است. هنگامی که از یک فرد مذهبی میپرسید که مذهب چه فایده ای برای تو دارد که نمیخواهی از آن دست برداری میگوید: "همینکه به من آرامش میدهد و باعث میشود من یک تکیه گاه و امید برای خودم داشته باشم تا دچار افسردگی نشوم، فایده آنست." همانطور که میبینید خود افراد مذهبی معترفند که مذهب خاصیت آرامبخش و مسکن دارد. تمجیدی که این افراد از مذهب میکنند به اندازه مدح تریاک و هروئین که از یک معتاد شنیده شود مشمزه کننده و چندان آس است.

2- خاصیت افساری مذهب: بر خلاف آنچه مذهبیین تصور میکنند مذهبی بودن به معنی اجرای فرامین خدا نیست بلکه اجرای فرامین آخوند و کشیش است. زیرا آنچه به زعم آنها فرمان خداست، که در کتاب مقدس آمده است، به اعتراف خودشان نیاز به تفسیر و تبصره دارد و به خودی خود نه تنها قابل اجرا نیست بلکه بسی خنده دار و چرند است. لذا لزوم وجود آخوند به شدت حس میشود تا سر و ته قضیه را به هم بیاورد و بگوید که منظور خدا از خیار هندوانه بوده است یا کدو! و چون مردم آن زمان نمیفهمیدند اندک از کلمه خیار استفاده کرده است. به وضوح میتوان دید که دین هیچ قانون ثابت و همیشگی ندارد. دین به خودی خود و بدون آخوند هیچ دستوری برای اجرا ندارد بنا بر این فرد مذهبی موظف است دستورات الهی را از روحانی دریافت کند و این به معنی آنست که افسار خود را بدست روحانی میدهد و این فرصتی برای روحانی فراهم می آورد تا آمل و اهداف شخصی خود را روی مردم سوار کند. و چنین است که انسانی که خود باید با شناخت دردها و منافع خود برای تغییر جامعه به جنبش در آید فقط ممکن است که برای منافع آخوند حرکتی کند. زیرا تا چیزی به نفع آخوند نباشد دستور اجرای آنرا از طریق افسار صادر نمیکند.

3- خاصیت ضد انسانی مذهب: نفرت برانگیزترین و ضد اخلاقی ترین ایده ها و روشها را در مذهب میتوان یافت. ترور مخالفان، سنگسار، اعدام، برتری مرد بر زن، کتک زدن زن، و ... همگی بوسیله مذهب تئوریزه میشوند و به اسم حکم خدا و عناوین مقدس دیگر به جامعه

با تشکر از خاتم کم‌گویان که اند (End) مرام است.



Redaktioner:

Odense

Vestergade 44

5000 Odense C

Telefon: 0045 87

38 39 70

Fax: 63 11 02 89

Kongens Nytorv 8

1050 København K

Telefon: 0045 33 30

30 30

jp@jp.dk kultur@jp.dk

بیا بید و نویسندگان بقیه کشورهای آزادی بیان حرکت عظیمی را پیش

میبرند، شما بیا بید در دفاع از

اینکار بسیج کنید. بنویسید برخلاف آزادی بیان کاری کنید. این کار

آنچه اسلاميون میگویند انتقاد به برای حفظ و گسترش آزادی بیان

اسلام و محمد و نوشتن طنز و در جهان مهم است.

کشیدن نقاشی و کاریکاتور از باسپاس فراوان

آخوند و محمد توهین به مردم محمود قزوینی

مسلمان نیست همانطور که انتقاد و از کمپین دفاع از آزادی بیان

mkazvini@hotmail.com

0045 51603121

www.ytrd.webbyen.dk

آدرس و تلفن روزنامه یولند پستن گروهها و دولتهای اسلامی و نیمه

مردم ایران طالب آزادی بی قید و

شرط هستند و رژیم ایران نماینده

این مردم نیست. بنویسید سران

رژیم در ایران هر روز از خطر

سکولاریسم حرف میزنند و اینکه

شما نباید اینها را به عنوان نماینده

مردم خاورمیانه بپذیرید. بنویسید

که آرزوی بقیه مردم خاورمیانه هم

کم و بیش چنین است، اما متأسفانه

امکان آن را ندارند تا صدایشان را

به مردم دنیا برسانند. خلاصه شما

اسلامی خاورمیانه دارند بر علیه

درون تفکر جهادپرستان

مصاحبه گلوبال ویوپوینت با

سلمان رشدی



ترجمه: فرزاد نازاری

فقط قلبش می‌شکند بلکه همچنان غرور و ناموسش هم به خاطر از دست دادن زنی که عاشقش بوده است به یک مرد دنیوی و قدرتمند می‌شکند و جریحه دار می‌شود. به طریقی او باید احساس مردانگی‌اش را بازسازی کند. این باعث سوق یافتن و سقوط او به راهی می‌شود که برود و گلولی سفیر آمریکایی را پاره کند. با زندگی کردن در غرب جایی که فرهنگ ناموسی وجود ندارد، آسان است که قدرت‌ش را دست کم گرفت. فرهنگ یهودی- مسیحی با گناه و باز خرید گناهان سروکار دارد. در فرهنگ شرقی با داشتن تصویری از گناه اصلی، ایده رستگاری از آنهم مؤثر نیست. بجای این، قطبهای اخلاقی فرهنگ باید با شرم و ناموس سروکار داشته باشند. تفکری احترام شده توسط تحقیرهای واقعی و یا ملاحظه شده انسان را به طرف اعمالی مایوسانه سوق می‌دهد. بدنبال تحقیق برای شالیمار چیز جالبی که کشف کردم تفاوت غیرمانوس اختلاف طبقاتی بین جنگجویان و بمبگذارهای انتحاری بود. قفل باز شده کمربندی انتحاری توسط کسی که فکرمی کند کشتن در روبرو و با چاقو بیشتر مردانه است. جنگ مردانه است. بمب گذاری انتحاری بی قیمت.

آنهایی که به طرف انتحار سوق داده شده اند، اشخاصی قابل انعطاف هستند. حزب الله، برای مثال، نموداری روانشناسانه از کسانی که می‌توانند بمب گذار انتحاری شوند بسط داده است، شما باید موجود ضعیفی باشی که بمبگذار انتحاری شوی.

تو باید از خود گذشتگی را قبول کنی، اگر پدربا خواهرت به

این وضعیت ادامه دارد، هفته گذشته توسط بمبگذارهای انتحاری به جزیره بالی حمله شد، جرج بوش درسخرانی ششم اکتبرش ادامه جنگ علیه تروریسم جهانی را ستایش کرد. متروی نیویورک در وضعیت اضطراری خطر تروریسم قرار دارد. چه چیزی در تفکر جهادی‌ها می‌گذرد؟ بهترین راه برای مقابله با اسلاموفاشیست چیست؟ من بتاژی با سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی و اثر جدیدش "شالیمار دلک" در باره این موضوع صحبت کردم.

ناتان گارلس: باریگر در بالی اتفاق افتاد اینبار توسط بمب گذارهای انتحاری، قبل از این لندن، مادرید، [۱] سپتامبر بود، قتل در خیابانهای آمستردام، سر برین فجیع دنی پرال در کراچی، در داستان جدیدتان شالیمار دلک شما درون تفکر جهادپرستان را تصور کرده اید، آیا انگیزه های مشترکی برای این اعمال وجود دارد، آیا این مطلق گرایی، خلوص است که بر علیه ناخالصیهای فرهنگ جهانگرایی درست شده از چند جزء ناجور قدامت کرده است؟ به طوری که شما اغلب نوشته اید.

سلمان رشدی: حداقل در مغز شما، به غیر از عده ای در راس این شبکه های تروریستی، چیزهایی زیاد تئوریک و عقلانی قرار ندارد. مشخصات اساسی شخصی که مرتکب ترورهای اینچنین می شود تفکر، مردانگی، تحقیر شده است. من سعی کرده ام که این را در داستانم نشان دهم. شخصیت شالیمار اسلحه به دست می گیرد نه به این خاطر که

جراحی پزشکی نیازمند بود مربی روحیه کشمیری بیگانه بود، سپس ها و رسیدگی کننده ها خواهند گفت وقتی که جهادپرستان شروع به وارد تو این کار را انجام بده، از این بابت شدن از پاکستان کردند، صداهای نگران نباش ما روبراهش می مدرن مسلمان را هدف قرار دادند کنیم. درخواستهای به صف شده چون وضعیتی پلاریزه را می زیادی که تعدادی هم سروکار با خواستند. کشمیریها خودشان در بین دنیوی له شده بودند مهم نبود به ایدئولوژی دارند.

گارلس: یقیناً، پس، چیزی که جنبش جهادی را سوق می دهد درک از تحقیر جمعی و خیانت به فرهنگ اسلامی توسط غرب است. همچنان که نای پاول نوشته است شکست خود را ناشی از موفقیت تمدنی دیگر می دانند.

رشدی: تولد رادیکالیسم اسلامی ورنجش و خشم هم بیشتر می نسبتاً تازه است. ۵۰ سال پیش در دوره استعمارزدایی و در اوایل روزهای پساستعماری، جمال عبدالناصر و یا جبهه آزادی ملی الجزایر به عنوان مثال پدیده در خاور میانه نیست.

هایی کاملاً غیر مذهبی بودند. بعضی گارلس: فیلسوف فرانسوی جنبشها توسط مارکسیستها رهبری می شد. موضوع، آزادی از انحراف عراق، مرکز رادیکالیسم امپریالیسم بود.

در وقتش این رهبرها تبدیل به مسلمانان بیشتری زندگی می کنند گریه های چاق و فاسد شدند در حرکت است. کشمیر فلسطینی و اسلامپرستانها مانند اخوان المسلمین تازه است. آیا شما موافقید؟

در مصر توانستند که خود را مانند آلترا نیتیوی پاک و پرهیزکار علیه نگران وضعیت پاکستان سکولاریسم معرفی کنند. این به آنها است. چیزی که او در این باره حق درنطق و بیان برتری بزرگی دارد، موقعیت پشت سر ژنرال داد. ملی گراها اغلب به زبان اسلامی ها حرف می زدند، این سلاحهای اتمی به دست طریق از بیان منظور آنها نبود به اسلامپرستانهای رادیکال بی افتد وجود این خاطره که به آنها مشروعیتی دارد. اگر این اتفاق بی افتد، همه بلاغتی در دوران استعمارزدایی می داد به این صورت بادست نظر خواهد آمد. اگر مشرف به قتل برداشتن از زبان خودشان زمینه را برسد و افرادی رادیکال در به آنهایی که از پشت سر می آمدند سرویس اطلاعاتی پاکستان به و منظورشان حقیقتاً آن چیزی بود قدرت برسند شما اساساً طالبان را که می گفتند محول کردند. از این دارید یا بمب.

طریق رادیکالیسم اسلامی رشد گارلس: بعد از بمب گذاریهای لندن اقبال سکرانی رئیس شورای

اما در جاهایی مختلف رشد متقوتی مسلمانان بریتانیا عمل "بچه های داشته است. در ایران خمینی نتیجه خودمان را" را محکوم کرد که آنها کردار شاه بود. شاه تمامی صداهای تقابلی عمیق را با مسلمانان محل به سیاسی دیگر را کشته بود. مانند نمایش گذاشتند و در کنار این کشمیر نبود، موجودیت ارتش هند همچنین از فتوای علیه شما در کشمیر باعث بوجود آمدن طرفداری کرد و گفت مجازات ناراحتی عمومی بزرگی شده مرگ برای نویسنده آیات شیطانی بود. زمین حاصلخیزی که حتی در شاید زیادی سهل باشد. آیا این آن رادیکالیسم زمخت رشد کرد با استانداردی دوگانه نیست، دقیقاً چه



چیزی فضا را برای اروپایی‌های
مسلمان مهیا می‌کند که مرتکب
اعمال تروریسم در وطنشان می
شوند.

رشدی: منم این فکر را می‌کنم.
تونی بلر نخست وزیر بریتانیا
حقیقتاً مرتکب اشتباه است که فکر
می‌کند که این اولترا محافظه
کارها، این اولترا ارتوکسها، این
غیرمدرنها و غیر تروریستها مثل
سکرانی که از لِحاضی نمایندگی
مسلمانان بریتانیا را می‌کند،
صدایی بی‌طرفند. شما نمی‌توانید
با وسیله محافظه کاری کمی
کمتر ادیکال، علیه محافظه کاری
رادیکیال بجنگید. بلر، سکرانی
کسی که منکر هولوکاست است را
از معاونین اصلی خودش در کمیته
ای کرده است که قرار است علیه
رادیکیلیسم اسلامی بجنگد!
اینها مرمانی نیستند که باهاشون
گرفت خوابید. بدبختانه غریزه
مذهبی خود بلر باعث می‌شود به
مردمان مذهبی دیگر مانند یک راه
حل مشکلات پناه ببرد. مشکلی که
هست اینکه یک انستیتوی واقعی
برای مسلمانان بریتانیا وجود
ندارد، خیلی از مسلمانان گتوویزه
نیستند، و مسلمان غلیظ هم نیستند به
مذهب، رقیقتر معتقدند. آنها اول
شهروندند، دوم مسلمان شاید هم
هفتم مسلمان. به نظر می‌رسد خرد
مرسوم در دولت بلر این باشد که
اینها اول مسلمانند و براین اساس
باید با آنها تعامل شود.

سوال این است شما چگونه این
اکثریت را ترغیب می‌کنید که
متشکل شوند. اگر فکر می‌کنید پس
من چکاره هستم، متأسفانه من آدم
مناسبی برای این کار نیستم اما این
کار لازم است که انجام
گیرد. حداقل من میتوانم درباره اش
صحبت کنم.

گارلس: طارق رمضان، صدای
رهبری کننده مسلمانان اروپا،
چیزی مشابه می

گویند. مشکل، تدریس تنگ نظرانه
از قرآن توسط امامان
در مجتمعات بسته شهرهای بزرگ
اروپایی است، امامانی که از دنیای
عرب آموزش می‌بینند، آنها می
گویند جوانهای از خود بیگانه باید
شرم کنند که مسلمان خوبی نیستند
و توسط محیطی که در آن زندگی
می‌کنند آلوده شده‌اند.

بیشتر مسلمانانی که او درباره آنها
هنوز صحبت می‌کند مشغول یک
انقلاب آرام که اساساً توسط زنها
رهبری می‌شود هستند. کسانی که
با دمکراسی، آزادی وجدان و
پرستش و تنوع در آمیخته
اند. هر دوی اینها هستند هم شهروند
غرب هستند و هم به اسلام برای
معنی در زندگیشان نگاه می
کنند. این انقلاب آرام دشمن واقعی
بمبگذارهای لندن است. زیرا دنباله
روی آنها را از ما قبول نمی‌کند.
آیا شما موافقت؟

رشدی: چون از طرف طارق
رمضان است طور عجیبی کم و
بیش موافقم. موضوع اصلی اینجا
تعبیر و یا اجتهاد است. محافظه
کارهای اسلامی می‌گویند فقط
محققین اسلامی یعنی علما هستند
که میتوانند قرآن را تعبیر کنند پس
قدرت در دست الیت مذهبی
قرار می‌گیرد زیرا تنها این نوع
تعبیر قابل قبول است.

هیچوقت اصول اولیه را از آنان
سوال نمی‌کنند، چون تعبیر حقیقی
از قرآن را آنها دارند. بخاطر این
نوع پروسه تعبیر است که این همه
شقاوت و بیرحمی صورت می
گیرد. نمونه ای تازه در هند، به زنی
گفته اند که او باید شوهرش را
ترک کند چون بعد از تجاوز
شده پدر شوهرش به او دیگر نجس شده
است. یکی از دلایلی که اسم من
رشدی است ناشی از احترامی
است که پدرم برای ابن رشد
فیلسوف مسلمان قرن ۱۲م قائل بود
که در غرب به اسم آوروس
شناخته شده است. او در زمان

خودش مشغول ساختن قالبی برای
تعبیر غیراجتهادی بود. یکی از
بحثهایش که من به آن سمپاتی
داشتم این من فراخوان به یک رفرم اسلامی
بود. در تفکر یهودی-مسیحی خدا
انسان را در پندار خودش آفرید و از
این رو آنها نشانه هایی از همدیگر
را حمل می‌کنند. اما در مقابل قرآن
می‌گوید که خداوند هیچ نشانی
انسانی ندارد و این تنزل دادن مقام
خداست، ما فقط انسانیم و
او خداست.

ابن رشد و دیگران همچنین این
استدلال را هم کرده اند. آیا
شخصیتی انسانی است؟ بنابراین
در ترمهای قرآنی ناشایست است که
بحث این را کرد که خدا به عربی
و یا به چه زبان دیگری حرف می
زند. خدا نهایتاً صحبت می‌کند
معنی اش این است که او دهان
و فرمی انسانی دارد. سپس ابن رشد
گفت اگر خدا زبان انسان را بکار
نمی‌برد پس قرآن نوشته شده که به
مغز انسان توسط جبرئیل منتقل شد
گارلس: انگیزه روشنگری
خود یک تعبیر است. اگر این چنین
است، پس تعبیر بعدی از قرآن طبق
مفاهیم تاریخی تا اندازه ای آسیا، دست
مرگبار تعبیر تحت
بیشتر از تعبیری تحت اللفظی بطوری
مشکل را
بیشتر در دنیای عرب مهد اسلام
در قرن دوازدهم این منطق شکست
است که حکم می‌راند.

خورد، لازم است در قرن بیست
و یکم دوباره عروج کند. مسئله
ناراحت کننده ای که در زمان
تحقیق برای آیات شیطانی از مناطقی
و کتابهای دیگر متوجه آن شدم این
تعبیر زیادی هم درباره قرآن و
درختی در باره تاریخ و ترتیب
آیات قرآن صورت گرفته اند. مسلمانها
در هند به خوبی
است، وقتی شما مانند یک نویسنده
قرآن را می‌خوانید متوجه می
شوید که موضوع جایی در وسط
آیه به شیوه ای رادیکیال عوض می
شود و بعد معابر مختلف دیگری
را دنبال می‌کند. آشکار می‌کند که
در این نوشته مقدس دست نویسند
ای در کار است. امروزه در بیشتر
جهان اسلام تحصیلی اینچنینی

ممنوع است، بخاطر این نقطه ای
که باید از آن آغاز کنیم یک تحقیق
تازه اسلامی است.

این من فراخوان به یک رفرم اسلامی
داده ام اما این شاید معنی اشتباهی
به دهنده، به دلیل خسارات دین پاکی
مارتین لوتر، فکر کنم کلمه
روشنگری ترم مناسب تری
باشد. مسئله این است اسلام باید
عوض شود، دست مرگ
بارتعبیر تحت اللفظی است که به
محافظه کارها و رادیکیال ها قدرت
می‌دهد. اگر می‌خواهید این قدرت
را از آنان بگیرد شما باید از
تعبیر شروع کنید و اصرار داشته
باشید که همه تفکرات حتی از نوع
مقدسشان باید همراه واقعیت شوند.
تمام مذاهب اصلی دیگر از این
زیر سوال رفتن عبور کرده اند، ولی
هنوز سرپا هستند. زیر سوال بردن
اسلام ممکن است رادیکیالها را
زیر آب ببرد اما اسلام را زیر آب
نمی‌برد.

مغز انسان توسط جبرئیل منتقل شد
گارلس: انگیزه روشنگری
خود یک تعبیر است. اگر این چنین
است، پس تعبیر بعدی از قرآن طبق
مفاهیم تاریخی تا اندازه ای آسیا، دست
مرگبار تعبیر تحت
بیشتر از تعبیری تحت اللفظی بطوری
مشکل را
بیشتر در دنیای عرب مهد اسلام
در قرن دوازدهم این منطق شکست
است که حکم می‌راند.

خورد، لازم است در قرن بیست
و یکم دوباره عروج کند. مسئله
ناراحت کننده ای که در زمان
تحقیق برای آیات شیطانی از مناطقی
و کتابهای دیگر متوجه آن شدم این
تعبیر زیادی هم درباره قرآن و
درختی در باره تاریخ و ترتیب
آیات قرآن صورت گرفته اند. مسلمانها
در هند به خوبی
است، وقتی شما مانند یک نویسنده
قرآن را می‌خوانید متوجه می
شوید که موضوع جایی در وسط
آیه به شیوه ای رادیکیال عوض می
شود و بعد معابر مختلف دیگری
را دنبال می‌کند. آشکار می‌کند که
در این نوشته مقدس دست نویسند
ای در کار است. امروزه در بیشتر
جهان اسلام تحصیلی اینچنینی

زنده باد بی‌خدایی



عضو انجمن بی خدایان بشوید! برای رهایی از سلطه اسلام و اسلام زدایی از ایران به ما بپیوندید!

مردم به تنگ آمده از اسلام،
بی خدایان! آزاد اندیشان!

انجمن "بی خدایان" می خواهد سخنگوی جنبش ضد مذهبی باشد که برای رهایی از اسلام و اسلام زدایی از ایران و خلاصی از یوغ دین مبارزه می کند. جنبشی که علیه حاکمیت اسلام و خدا و حکومت آنها بر انسان است. جنبشی که اصالت انسان را در مقابل دین و خدا قرار می دهد و آنها را از زندگی و جامعه جaro می کند. ما می خواهیم در مقابل کلام و قانون خدا و آیت الله، در مقابل قانون سنگسار و منکرات و تخریبات و عزاداری و حجاب و آپارتاید جنسی- کلام و قانون انسان و آزادی او را قرار دهیم. ما پرچم دفاع از حرمت انسان را با دفاع از او در مقابل دین، اسلام و خرافات بلند میکنیم.

مردم! عضو انجمن بی خدایان شوید و بی خدایی را به هر شکلی که میتوانید تبلیغ کنید!
نشریه بی خدایان را تکثیر و پخش کنید و بدست دیگران برسانید!
با ما تماس بگیرید به ما بپیوندید و جنبش رهایی از اسلام و بی خدایی را گسترش بدهید.

اعظم کم گویان

انجمن بی خدایان

bikhodayan@yahoo.com

azam_kamguian@yahoo.com

www.bikhodayan.com

http://www.bi-khodayan.blogspot.com/

برای مناسبات بهتر مسلمانان

آن نمی بینم. نهایتاً ما نمی خواهیم غربی داشته باشد. کشورهایی از جداییهای کوچک رشدی نه زیاد، تبدیل کردنش به درست کنم، روشنگری از یک سمبل بزرگ اشتباه چندفرهنگ گرایشی است. سکولاریسم ترکیه هم حالن مداراگر، حاصل نمی شود. این به به نظر کمی سنگللاخی عنوان مثال امروزه در هلند عیان و سختگیر به نظرمی رسد ولی است. این را در مقابل انتگراسیون هنوز سرپا هستند. مشکلات بزرگی مدل فرانسه قرار دهید، مجادلات دارند، هنوز دستیکار برخورد با حجاب در سال پیش الان دیگر کد مجازاتی که آن را علیه ناشرین موضوعی نیست، زیرا اتفاق و نوسینده ها بکار می برند، 14- نظری پهن اورانجا در 15 نفری که منتظر محاکمه سرتاسر منظره پدیدار شد که هستند، نشده اند. اورهان پاموک سکولاریزم بهترین چیز است فقط برای گفتن چیزی در باره قتل برای همه از مسلمانان تا لوپن. وعام ارامنه توسط عثمانی محکوم خارلس: آنها که موافق الحاق شده است. قدرت اسلامی ها ترکیه به اتحادیه اروپا هستند می هنوز خیلی عظیم تر از اینهاست. پس گویند پل زین به شکاف موجود با تردید درباره ترکیه چیزی تضمین تمنن اسلامی امری مهم است. اما رهبرهای مسلمان مانند نخست وزیر سابق مالزی، محمد ماهاتیر، گفت ترکیه نمی تواند یک مدت زیادی طول بکشد.



مدل برای دنیای اسلام باشد، دقیقاً به این خاطر که به سکولاریزم غربی روی آورده است. اگر ترکیه به اروپا بپیوندد چه معنی می تواند

اگر داستان مضحک هست شدن و همان نام ها و لغات درونی ماده ی آفریده شدن را بخواهیم قبول کنیم کل است!! همان گونه که دیده آنگاه باید به دنبال زمان اول میشود برای تعریف ماده ی کل و بگردیم باید بگویم چگونه هیچ دادن شکل و حد و مرز به آن لغت چیز، چیز شد، اگر کسی این ها هم اشتباه هستند و لغتی در خور داستان را بخواهد به ما بازگو کند تعریف آن به سختی میتوان یافت! باید وی را بازخواست کنیم و از لغات درون و خارج نمیتوان بگوید زمان اول و آفریده شدن برای تعریف ماده استفاده کرد زیرا وجود دارد باید بتواند پاسخ دهد و ماده درون و خارج ندارد. زمان اول را هم مشخص کند و نیز سوال بعدی که در ذهن ماست این چگونگی پروسه ی هست شدن از است که اول وجود جهان از کجا نیستی را توضیح دهد، آنگاه است بود و در آخر چه خواهد شد؟ اول که عاجز خواهد ماند. بسیاری و آخری وجود ندارد، اول و آخر این کار را کرده اند کتاب های برای تعریف زمان تغییر شکل مذهبی شمان مشخص کرده اند که ماده از حالتی به حالت دیگر است این نادانی تنها جای تمسخر دارد، برای هست شدن و نیست شدن علم نیز در جستجوی زمان اول اول و آخری وجود ندارد زیرا هیچ است. این جستجو باید ادامه پیدا چیز، هست نمیشود، و چیز یا کند، امانه برای یافتن زمان اول ماده در آخر، نیست نخواهد شد. هست شدن، بلکه برای یافتن

زمان تغییر شکل ماده، علم تا جست زیرا زمان اولی وجود امروز پاسخ های متناقضی و ندارد. مختلفی را به این سوال داده است، در نتیجه اصطلاحات آفریدن، در جایی 8 میلیارد، در جای دیگر خلق کردن، و بوجود آوردن اگر 13 میلیارد و غیره زمان اول به معنی، از نیست هست شدن به آفرینش را مشخص کرده است، کار بخواهد برود غلط است، مگر این پاسخ ها اگر برای زمان اول اینکه مفهوم تغییر شکل ماده را هست شدن باشد غلط است اما برساند. دیگر بحث بر سر اینکه برای زمان تغییر شکل ماده در خداوند جهان و انسان را آفرید، زمان های مختلف باید جستجو خلق کرد یا به وجود آورد، پوچ، کرد و جواب صحیح را یافت، مضحک، دروغ، مسخره است، اگر علم زمان اول هست شدن را اما بر عکس آن این که خدا ماده مشخص کند، فوراً باید به سوال نیست یعنی هیچ چیز نیست و بعدی پاسخ بدهد که قبل از آن چه وجود ندارد، اما اینکه انسان خدا بود؟ و چگونه نیستی هست شد، را خلق کرده و آفریده است، ناچار باید بگوید قبل از آن هم ماده چه؟! یا انرژی اولیه وجود داشته، و مدام باید به عقب تر و عقب تر iron_1976_maiden@yahoo.com برود، باید به عقب رفت و جستجو کرد، اما زمان اول را نخواهیم

دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه!

بودن و شدن

بهرام صالحی از ایران

موضوع این نوشته بسیار عمیق ، علمی و فلسفی است ، اگر اشتباه میکنم که نظریه من در این باب نوین است ، از خوانندگان میخواهم نقل قول های دیگران را در این باب بگویند ، و خود نیز وارد این مبحث شوند . موضوع به قدری جالب و مهم هست که بی شک همه ی ما نظری در این رابطه داریم .

خلق کردن یعنی چه ؟ آفریدن یعنی چه ؟ بوجود آوردن یعنی چه ؟ ریشه ی لغات خلق ، وجود و آفرینش از کجاست و چه معنا دارد ؟

هر سه یک معنا را دارند ، آفرینش در لغت به معنای عمل خلق کردن ، بوجود آوردن و هستی دادن است ، البته در لغت ، خلق کردن کمی معنای متفاوت تری دارد و به معنای ، آفریدن شیء از شیء دیگر است ، اما ، آنچه که در تداول سخن است به معنای همان آفریدن و بوجود آوردن بکار گرفته میشود ، هر سه معنای ، نیستی را هستی کردن معنا می دهند ، نظر من این است که این غلط است ، این لغات غلط هستند و بی معنا ، هیچ چیز هرگز نمیتواند چیز شود ، زیرا هیچ چیز ، خود هرگز وجود ندارد . هیچ ، هست نمیشود . هست ، خود موجود است و احتیاجی به هست کردن ندارد ، در جهان هستی ، هیچ وجود ندارد ، زیرا خود این جهان ، هست ، است . هیچ را هرگز نمیتوان تصور کرد و آن را فهمید ، زیرا وجود ندارد . کل هستی یک واحد یکپارچه است و فاصله ای بین آن و چیزهای موجود در آن نیست ، هیچ چیز ، نمیتواند در جهان هستی باشد ، در جهان چیزی به نام خلق وجود ندارد ، اگر داشته باشد خود آن خلق باید یک چیز

باشد . جهان هستی یک واحد هست ، هر چه در ریزترین ذرات یکپارچه و غیر قابل انفکاک است ، عمیق تر شویم ، بدرون چاه نرفته هستی از ماده تشکیل شده است ، ایم ، بلکه مانند تونلی است که در ی کل شکل و حد و اندازه ندارد ، انرژی نیز ماده است ، نوعی ماده درون آن ماده ی کل سیر و سفر است ، و همراه انواع دیگر ماده ها میکنیم ، ممکن است ما تصور کنیم چیز وجود ندارد ، اگر فکر میکنید است ، انرژی جدا از ماده نیست ، که داریم لحظه به لحظه عمیق تر چیزی بعد از آن است در اشتباهید ، نمیتواند در میان ، هیچ باشد ، میریم و ریز ترین جزء ماده را زیرا اگر چیزی باشد آن چیز چسبیده و همراه دیگر انواع ماده ها میبینیم اما در حقیقت از یک نقطه متصل به ماده ی کل است ، نه جدا است ، هستی باید ماده باشد ، یعنی ای در یک بخش از ماده به طرف از آن که فاصله ای بین آن ها باشد هستی همان ماده بودن است ، ماده نقطه ی دیگری از آن طرف آن ، فاصله ای وجود ندارد ، فاصله همان چیز است ، هیچ چیز وجود بخش ، در همان ماده ی کل در حال باید هیچ چیز باشد ، که هیچ چیز ندارد ، زیرا هیچ چیز ماده نیست . سفر هستیم . مثالی برای روشن تر وجود ندارد ، پس اگر فکر میکنید علم بشر تا امروز به دنبال شدن موضوع این است که : ما در که بعد از این ماده ی کل یا جهان کوچکترین ذرات ماده جستجو کرده مقابل به دو جسم برای مثال هستی ، آن طرف چیز دیگری هم است . این غلط است ، منظور این خورشید و کره ی زمین می نگریم باید باشد ، در اشتباهید زیرا اگر نیست که علم بیهوده پیش رفته است ، در مغز ما یکی کوچکتر و چیزی باشد آن چیز متصل به ماده بلکه مقصود این است که جهان دیگری بزرگتر است . اما این دو ی کل است و آن چیز بخشی ، یا هستی یا همان ماده یک واحد یک هر کدام شکلی و بخشی از ماده در همان ماده ی کل است فاصله ای پارچه است و به هم چسبیده است . درون همان ماده ی کل هستند ، نه بین آن دو نیست ، اگر فاصله ای خود یک واحد است یعنی خود یک هر کدام یک ماده ی جدا از هم که نباشد پس هر دو به هم متصل چیز است ، نه یک کل که شامل فاصله یا خلعی بین آن ها است ، هستند و اگر فکر میکنید فاصله ای اعضای کوچکتر باشد ، علم هر دو به هم متصل هستند ، و در آنجاست ، اشتباه است ، زیرا فاصله مولکول اتم و نیروترونها را کشف درون ماده ی کل هستند ، در جهان هستی کوچکی و بزرگی معنا ندارد ندارد زیرا هیچ چیز وجود ندارد . دو چیز جدا از هم وجود ندارد که بنا بر این جهان هستی یا ماده حد و هستی کل به یک دیگر چسبیده اند حال یکی بخواهد کوچک و مرز ندارد ، تفکر یا اندیشه ی حد و فاصله ی بین دو اتم خلع نیست ، در دیگری بزرگتر باشد . بلکه همه مرز در مغز انسان است که برای حقیقت فاصله ای وجود ندارد ، اتم چیز یک چیز است یا همه چیز ماده تعریف بخش ها و شکل هایی از از چه چیز تشکیل شده ؟ اگر در اتم است ، ماده کل در درون خود عمیق تر شویم چه ذرات ریز تری را خواهیم یافت ؟ ذرات را عقل بشر کشف کرده است و نام ذره و اتم یا هر چیز و نام دیگری بر آن نهاده است ، در حقیقت ماده از جزء و ذره تشکیل نشده ، بلکه تمام هستی خود یک ماده و یک واحد است ، این گونه نیست که هر چه ما در اتم عمیق تر شویم و آن را بکاویم در آخر به یک ذره ی ریز تر خواهیم رسید که از آن کوچکتر نیست ، و شاید اینگونه بگوییم که خود اتم همان کوچکترین ذره است ، خیر ، عمیق شدن ، ذره ی ریزتر ، کوچکتر ، بزرگتر ، این ها تنها نام است که ذهن بشر برای فهم جهان هستی برگزیده است ، شکل ماده و آن چه که بشر میبیند یا میفهمد میتواند شکل داشته باشد ، بزرگ یا کوچکتر یا اتم باشد ، اما جهان هستی کوچکتر یا بزرگتر ندارد ، ندارد ، آنچه که ما حد و اندازه کل آن یکست و آن ماده یا چیز میدانیم یا میشناسیم ، برای تعریف درون آن زیرا لغت درون هم از